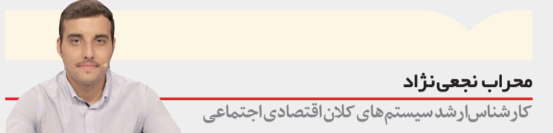


یادداشت

کسری بودجه دولت را به کجا می برد؟

از اعتیاد نفتی تا اعتیاد استقراری



محراب نجعی نژاد

کارشناس ارشد سیستم های کلان اقتصادی اجتماعی

افت قابل توجه میزان فروش نفت به دلیل تحریم های گسترده نفتی ظالمانه و همچنین کاهش شدید قیمت نفت دو عامل موثر در محدود شدن منابع بودجه و تعمیق کسری بودجه در سال جاری بوده است. با توجه به تصویب رقم حدودا ۵۰ هزار میلیارد تومانی از درآمد حاصل از فروش نفت در بودجه ۹۹ و عدم تحقق بخش زیادی از آن، بسیاری از کارشناسان و مراکز پژوهشی رقم کسری بودجه را حول و حوش ۱۵۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی کرده اند. در لایحه بودجه ۱۴۰۰ اما شاهد تغییرات جزئی در برخی بخش ها و تغییرات عمده در ردیف های درآمدی چون نفت بودیم. براساس لایحه بودجه ۱۴۰۰ بودجه عمومی دولت ۶۵۵ درصد افزایش (۳۶۶ هزار میلیارد تومان) به ۹۳۰ هزار میلیارد تومان، درآمدهای دولت با ۲۲ درصد افزایش به ۳۱۸ هزار میلیارد تومان، و واگذاری درآمدهای سرمایه ای با ۱۲۸ درصد افزایش به ۲۲۵ هزار میلیارد تومان و واگذاری درآمدهای مالی با ۱۳۹ درصد افزایش به ۲۹۸ هزار میلیارد تومان رسیده است.

براساس لایحه بودجه، منابع درآمد بودجه سال ۱۴۰۰ نسبت به ۱۳۹۹ دچار تغییرات اساسی شده است. سهم مالیات ها در تامین منابع افزایش بودجه ۱۴/۵ درصد است که سهم بنگاه ها فقط ۴/۱ درصد و مقرر است ۷۲ درصد افزایش مالیات ها از مردم اخذ شود. با وجود همه ادعاها سهم اقلام مهم مالیات بر ثروت و مستغلات از منابع افزایش بودجه فقط ۴/۹ درصد است. در ادامه سهم فروش نفت از منابع افزایش بودجه ۴/۱۳ درصد (۱۵۱ هزار میلیارد تومان) است. سهم عرضه اوراق مالی (بدهی دولت) از منابع افزایش بودجه نیز ۱۲/۳ درصد و سهم برداشت از منابع صندوق توسعه ملی ۱۲/۴ درصد است. سهم منابع حاصل از فروش شرکت های دولتی از منابع افزایش بودجه ۲۳ درصد و به میزان ۹۵ هزار میلیارد تومان است. در مجموع با توجه به در نظر نگرفتن برخی اصلاحات ساختاری بودجه و همچنین تکیه مجدد به نفت، کسری بودجه سال جاری در سال آینده نیز ادامه پیدا کرده و چه بسا عمیق تر از قبل خود را نشان دهد. بنابراین از همین حالا باید به فکر چاره ای برای کسری بودجه در سال آینده بود. دولت در حال جاری و مطابق بودجه ۹۹ مجاز به فروش حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی بود که با هماهنگی های صورت گرفته در جلسه سران سقف آن به حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان نیز رسید. از طرف دیگر دولت از ابتدای سال جاری موفق به فروش تقریبا ۸۰ هزار میلیارد تومان اوراق شده که هرچند رقم قابل توجهی در مقایسه با سال های گذشته است اما تا برطرف کردن کسری بودجه فاصله ای زیادی دارد. هرچند انتشار اوراق به عنوان یکی از روش های تامین کسری بودجه از روش استقراض از بانک مرکزی کم خطر تر است اما چالش هایی مانند عدم امکان فروش گسترده اوراق و واگرایی بدهی دولت را نیز ممکن است به همراه داشته باشد.

اولین اثر تداوم تامین کسری بودجه با فروش اوراق مالی، فشار بر نرخ بهره است. با توجه به اشباع تدریجی بازار از خرید اوراق بدهی، شرط تداوم فروش اوراق بدهی و تامین مالی دولت، افزایش نرخ بهره است. با تداوم فروش اوراق بدهی، افزایش نرخ بهره موثر به ارقام بالاتر از ۲۲ درصد غیر قابل اجتناب است. این مساله بانک مرکزی را در دوراهی «تداوم فروش اوراق بدهی و تعمیق بازار بدهی و پیوستگی سیاست هدف گذاری نرخ بهره» قرار می دهد. به عبارت دیگر اگر فروش اوراق بدهی با افزایش نرخ بهره ادامه داشته باشد، سیاست بانک مرکزی برای هدف گذاری نرخ بهره با خطر مواجه می شود. در مقابل اگر فروش اوراق محدود شود، تامین کسری بودجه به مشکل برخورد و خطر استقراض دولت از بانک مرکزی افزایش می یابد. این البته همان خطری است که رئیس کل بانک مرکزی بارها از آن به عنوان خطری برای موفقیت هدف گذاری نرخ تورم یاد کرده است.

البته لازم به ذکر است شورای پول و اعتبار پیش از این در اوایل شهریور ماه جاری بانک ها و موسسات اعتباری را ملزم به تجهیز سه درصد از مانده کل سپرده های خود با اوراق بدهی دولتی کرد. شورای پول و اعتبار در یکی از این مصوبات، بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی را موظف کرد ظرف مدت سه ماه، حداقل معادل سه درصد از مانده کل سپرده های خود را به صورت اوراق مالی اسلامی قابل معامله در بازار سرمایه که توسط خزانه داری کل کشور منتشر می شود، نگهداری کنند. همچنین شورای بانک مرکزی اجازه داد بنا به شرایط و اقتضات، نسبت یاد شده را در باره بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی، تعدیل کند. یک تخمین ساده نشان می دهد سه درصد از مانده کل سپرده های بانک ها و موسسات اعتباری رقمی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می شود. با توجه به فروش حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی تا نیمه اول سال جاری، شبکه بانکی ملزم به خرید حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان باقی مانده برای اجرای تکلیف قانونی خود است.

هرچند فروش اوراق مالی راهکار کم هزینه تری نسبت به استقراض دولت از بانک مرکزی دارد این با توجه به تداوم این روند بدون اصلاح نظام مالیاتی با هدف افزایش سهم مالیات از منابع بودجه در نهایت می تواند به استقراض دولت از بانک مرکزی منجر شود. در همین راستا مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی نسبت به تداوم فروش اوراق بدهی بدون اصلاح ساختار اقتصاد هشدار داد. بازاری پژوهشی مجلس در این گزارش نوشت: «اگر انتشار اوراق بدهی و استقراض بدون هدف ساختاری و صرفا برای تامین کسری بودجه در حالی صورت گیرد که انتظار داشته باشیم در سال های بعد نیز همین کسری وجود خواهد داشت، این فرآیند صرفا به تعویق انداختن مشکل و بزرگ کردن آن خواهد بود و در واقع، صرفا اعتیاد نفتی را با اعتیاد دیگری با نام اعتیاد استقراری تعویض خواهیم کرد؛ اعتیادی که عملا پس از مدتی تنسویه بدهی های قدیمی می یابد و بدهی های جدید و غلتاندن آنها، کشور را به یک ساختار گلدکوئستی بزرگ تبدیل خواهد کرد و با توجه به اشتباهی فعلی ناشی از کسری و اشباع نسبی بازارها در آینده، ناچار از محل چاپ پول یا موارد مشابه تامین خواهد شد و در صورت رسیدن به مراحل حاد می تواند اقتصاد و بازار های مختلف را ناپایدار کند. مقایسه بر بودجه ۹۹ نشان می دهد، برنامه اصلاحی خاصی در بخش واقعی اقتصاد کشور با تغییر در نحوه مدیریت ذی نفعان در ازای درخواست اجازه انتشار اوراق پیشنهاد نشده و عملا هدف از ایجاد بدهی، فقط پوشش کسری است. با توجه به فروش حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی تا نیمه اول سال جاری و با فرض تداوم همین روند، پیش بینی می شود دولت از محل فروش اوراق مالی تا پایان امسال حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند. با این حال تداوم تامین کسری بودجه با فروش اوراق بدهی، تبعات خاص خود را دارد.

اقتصاد

با وجود سقوط شدید بورس در اواسط تابستان ۹۹ تعداد شهروندان ایرانی که همچنان وارد بازار می شوند، اعجاب انگیز است

دو میلیون کد بورسی جدید پس از سقوط

اولیه و بوعلی با کاهش ۴۰ درصدی مواجه می شود. جالب است که سیاست های اشتباه دولت در قبال بازار علاوه بر کاهش میزان مشارکت در عرضه های اولیه، فرصت طلایی تامین مالی و عرضه بسیاری از شرکت ها و همچنین فروش سهام های دولتی را در بازار گرفت، به طوری که شرایط بی ثبات بازار در پنج مصاد اخیر تنها اجازه ۵ عرضه اولیه را داد. این در حالی است که ۲۳ شرکت آماده و منتظر دستور سازمان بورس برای عرضه اولیه سهام خود هستند که شرایط بازار اجازه آن را نمی دهد.

رشد ۷۶ درصدی خارجی ها در بورس

در میان این وضعیت می که کدهای بورسی کاهش ۱۲۵۰ درصدی داشته است، یک نکته جالب توجه نیز دیده می شود، آن هم افزایش ۷۶ درصدی کدهای خارجی (کدهای صادر شده برای افراد حقیقی ایرانی مقیم کشورهای خارجی یا اتباع خارجی) در ۸ ماهه امسال بوده است، به طوری که تعداد کل کدهای خارجی در آبان ماه ۹۸ در حالی حدود ۱۴۴۴ کد بوده و تا فروردین ماه ۹۹ به حدود ۱۷۷۲ کد رسیده بود که این تعداد در پایان آبان ماه ۹۹ به ۳۱۱۸ کد بورسی رسیده است. این تعداد در مهرماه نیز ۳۰۰۰ کد بوده است. البته مالکیت سهامداران خارجی از ارزش بازار سرمایه ایران بیش از ۴ درصد نیست که این عدد بسیار کمی است و ظرفیت های بازار ایران بسیار بالاست؛ چرا که در برخی بورس های منطقه مالکیت خارجی ها ۴۰ تا ۳۰ درصد است. با افزایش شفافیت بازار بورس و همچنین کاهش نااطمینانی موجود در اقتصاد کشور می توان شاهد حضور تعداد بیشتری از سهامداران خارجی بود که به معنی جذب سرمایه گذاری خارجی نیز است، مولفه ای که در اقتصاد کشور سال هاست گم شده.

خروج ۳۰ هزار میلیارد تومان در ۴ ماه

۱۹ مرداد ماه سال جاری که بازار روند اصلاحی خود را آغاز کرده در مجموع ۳۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شده است. البته به عبارت صحیح تر تغییر مالکیت حقیقی به حقوقی رخ داده و این میزان از پول توسط حقوقی ها به بازار وارد شده است. هر چند ورود و وجود پول حقوقی در بازار اتفاق بدی نیست اما خروج پول حقیقی می تواند نشان دهنده موادی باشد که در بالا مطرح شد. البته هر چند از ابتدای آذرماه تا به حال میزان ورود پول حقیقی به حقوقی غالب بوده است و چیزی در حدود هزار میلیارد مالکیت حقوقی به حقیقی اتفاق افتاده است اما در هر حال برآیند چهار ماه اخیر همچنان حاکی از خروج پول های حقیقی است.

خطر تکرار مرداد ماه

تا اینجای گزارش سعی بر ارائه تحلیل و آماری از عواقب اشتباه های سیاستگذار در بازار بورس تهران بود که در سه مورد نیز طبقه بندی شد. اما در پایان لازم به ذکر است که روند دو ماهه اخیر حاکی از اتفاقات مثبتی در بازار سهام است. در مجموع آبان و آذر شاخص کل بورس توانسته ۲۵ درصد رشد داشته باشد و میانگین ارزش معاملات نیز که در آبان ماه در حدود ۱۱۱ هزار میلیارد تومان بوده در ۲۰ روز نخست آذرماه به حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان در روز رسیده است. از سوی دیگر پس از چهار ماه برآیند تغییر مالکیت حقوقی به حقیقی به سمت حقیقی ها سنگین بوده و در ۲۰ روز کاری اخیر هزار میلیارد تومان از نسوی حقیقی ها به بازار سهام وارد شده است. از همه مهم تر چشم انداز بازار های موازی چندان جذاب نبوده به طوری که برای مسکن، رکود سنگینی در زمستان پیش بینی می شود و برای دلار نیز تا ماه های آینده بازدهی خاصی وجود نخواهد داشت. با وجود نرخ تورم بالا و همچنین روشن بودن موتور نقدینگی این گمان وجود دارد که مجددا آتش بورس داغ شده و قصه سال های ۹۲، مهر ۹۷ و از همه مهم تر مرداد ۹۹ تکرار نشود. لازم است که سیاستگذار از همین حالا به فکر کنترل نوسانات بازار سهام باشد.



درصدی ورود کدهای حقیقی (افراد احراز هویت شده) به بازار بورس کشور در طی پنج ماه اخیر تا پایان آبان ماه ۹۹ است. علاوه بر این در ۴ ماه اخیر در مجموع ۳۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد خروج پول از سوی حقیقی ها اتفاق افتاده است.

ورود ۲/۲ میلیون نفر به بورس پس از سقوط

با وجود اینکه از ۱۹ مرداد ماه سال جاری بورس ایران روند اصلاحی خود را آغاز کرده و یکی از بزرگ ترین اصلاح های تاریخی بورس کشور رقم خورده، اما بررسی تعداد ثبت نامی ها در سامانه سجام نشان می دهد طی ماه های شهریور، مهر و آبان ماه ۹۹ در مجموع دو میلیون و ۲۱۹ هزار و ۷۱۸ نفر در سامانه سجام ثبت نام کرده اند. در درشتی این رقم همین قدر کافی است بدانیم این تعداد معادل ۷۵ درصد کل ثبت نامی های سجام در ۱۲ ماهه سال ۹۸ است و به این معنی است که هنوز هم با وجود از دست رفتن چشمگیر سرمایه مادی حدود ۱۵ میلیون سرمایه گذار در بورس و مهم تر از آن با وجود رخ دادن این تعداد اعتماد عمومی به سیاستگذار، اما هنوز اقبال عمومی به بورس بسیار قوی است و پول های پر قدرت، بورس را همچنان جذاب می بینند. موضوعی که سیاستگذاری درست برای فعالیت بازار سرمایه را می طلبد.

کاهش ۴۰ درصدی مشارکت در عرضه اولیه

به طور کلی در شرایط پرنوسان بازار سهام، از یک سو سرمایه های مردم در خطر است و از سوی دیگر تامین مالی چندانی برای تولید انجام نمی پذیرد. یکی از نشانه های اصلی میزان تامین مالی در بازار سهام تعداد عرضه اولیه شرکت ها و پس انداز های جذب شده از این مسیر است چرا که معاملات روزانه سهام ها در بازار ثانویه به هیچ وجه عایدی برای تولید و بخش حقیقی اقتصاد نخواهد داشت. بر اساس آمار ها از عرضه اولیه «امین» که در تاریخ ۱۵ مرداد و چهار روز قبل از ریزش سراسری بازار سهام بوده، چیزی در حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر استقبال و اقدام به خریداری آن کرده اند. این در حالی است که در آخرین عرضه اولیه بازار یعنی «بوعلی» که در روزهای گذشته انجام شده است، ۳ میلیون و ۹۵۰ هزار نفر استقبال کرده اند. به طور کلی بررسی عرضه اولیه بازار در ۶ ماه اخیر روند کاهش مشارکت مردم در بازار اولیه سهام را به خوبی تعداد کدهای بورسی در بورس ایران در مقایسه با کشورهای دیگر نشان می دهد. میزان مشارکت در عرضه اولیه صبا به عنوان اولین عرضه اولیه سال ۹۹ در بیستم فروردین سال جاری در حدود یک میلیون و ۹۴۴ هزار نفر بوده که با اوج گیری بازار بورس این رقم برای عرضه اولیه زملارد در تاریخ ۲۲ مرداد به حدود ۵ میلیون و ۵۵۶ هزار نفر می رسد. جالب است که روند نزولی مشارکت در عرضه های اولیه از همان مردادماه آغاز می شود و برای عرضه اولیه بهمساز به حدود ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر می رسد و در نهایت همان طور که گفته شد در عرضه

۵۰۰ هزار واحدی دارد. این رفت و آمدهای شاخص ضرر های سنگینی به عمده سهامداران بازار که بسیاری از آنها را افراد تازه وارد تشکیل می دهند وارد کرده است و حتی صعود های اخیر نیز همچنان نتوانسته آنها را به نقطه سر به سر برساند. اما از منظر کلان و نگاه آینده نگری به بازار سهام مهم ترین چالش های برآمده از این رفت و آمدهای شاخص را می توان از دست رفتن اعتماد عمومی به سیاستگذار و همچنین تلف شدن فرصت تاریخی تامین مالی از طریق بورس دانست.

عواقب نبود سرمایه اجتماعی در بورس

بورس ایران چه به لحاظ سخت افزاری و چه نرم افزاری پختگی لازم را حتی در ماه های اخیر نیز نداشته است. مهم تر از اینها اما خلأ سیاستگذاری مناسب است که بازار سرمایه را در طول یک سال اخیر دچار فراز و فرود های متفاوت کرده است. بسیاری از کارشناسان نوک پیکان چنین قائله ای را به سوی مردم می گیرند و معتقدند که حتی با وجود اشتباه های دولت و سیاستگذار، این خود مردم بودند که نباید ندانسته وارد آن می شدند، اما چنین تحلیلی درست نیست. چرا که بسیاری از مردم در روز هایی که در بیرون از بازار بورس، با تورم روبه رو هستند و در داخل بازار آتش سوزهای فضا بی را داغ می بینند، راهی غیر از ورود به آن ندارند. تشویق ها و سخنان انگیزشی هیات دولت هم در مورد بورس تکه های این پازل را تکمیل می کرد. با همه اینها چه انتظاری از مردم می رود که منافع کوتاه مدت و سودهای آنچنانی را کنار گذاشته و منطقی و بلندمدت به بازار بورس نگاه کنند. این در حالی است که استفاده کلان از بازار سرمایه، ایجاد شرایط برای رشد پایدار آن و... همگی از وظایف دولت و سیاستگذار است. آثار منفی نوسانات شاخص بورس برای دولت و اقتصاد کشور بسی فراتر از منافع کوتاه مدت اقتصادی و ضرر های سرمایه گذاران است. مساله اصلی از دست دادن سرمایه اجتماعی در بازار سهام و از بین رفتن اعتماد عمومی به سیاستگذار است که در نهایت منجر به محروم شدن بازار سرمایه از منابع بالقوه سطح جامعه است. به عنوان مثال، برخی از دوستان و آشنایان که در سال های دور تر هر یک به نحوی، بخشی از سرمایه خود را در بورس از دست داده اند (مانند سقوط سال ۹۲)، نه تنها هیچ گاه تمایلی به بازگشت به آن نداشته، بلکه هریک افراد دیگری را نیز سفارش به عدم سرمایه گذاری در آن می کنند؛ یا مثلا رصد نظرات مردم در مورد بازار نشان می دهد که عموم آنها به هیچ گونه تحلیل تکنیکال، بنیادی و ارزشی از سهام ها و کلیت بازار اعتقاد نداشته و مشخصا دست دولت و حقوقی ها را در بالا و بالاترین سقف تاریخی خود از روی شاخص ۲ میلیون و ۷ هزار واحدی وارد فاز اصلاحی شد و گرد نزولی به خود گرفت. این بازار مجددا از اواسط آبان ماه مسیر صعودی معقول تری را آغاز کرد اما علی رغم رشد ۲۵ درصدی در یک ماهه اخیر، شاخص کل این بازار تا سقف تاریخی خود که بر روی رقم ۲ میلیون واحد قرار دارد، همچنان فاصله ای

۲ چالش بزرگ در بورس

بر اساس آمار های سازمان بورس تهران تعداد کل کدهای حقیقی صادر شده در بازار سهام کشور در پایان آبان ماه ۹۹ حدود ۲۳ میلیون نفر یعنی یک چهارم جمعیت کشور است. از این تعداد ۱۰ میلیون کد معاملاتی از اول فروردین سال جاری تا پایان آبان ماه سال ۹۹ صادر شده، تعداد ۲ میلیون در سال ۹۸ و تقریبا ۹۰۰ هزار کد نیز در سال ۹۷ صادر شده است. بررسی ها نشان می دهد در بورس ایران در حالی ۲۷ درصد از جمعیت کشور دارای کد معاملاتی و سهامداری حقیقی هستند که این میزان در کشورهای با بازار های توسعه یافته مالی مانند چین و آمریکا در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت آنهاست. روند غیرعادی رشد شاخص بورس ایران که از آذرماه ۹۸ آغاز شد و در بهمن ماه آن سال اوج گرفت، با تشویق و ترویج دولت تا به حال چیزی در حدود ۱۰ میلیون فعال را به خود دیده است. بازار بورس تهران از تاریخ ۱۹ مرداد ماه سال جاری و درست پس از لمس بالاترین سقف تاریخی خود از روی شاخص ۲ میلیون و ۷ هزار واحدی وارد فاز اصلاحی شد و گرد نزولی به خود گرفت. این بازار مجددا از اواسط آبان ماه مسیر صعودی معقول تری را آغاز کرد اما علی رغم رشد ۲۵ درصدی در یک ماهه اخیر، شاخص کل این بازار تا سقف تاریخی خود که بر روی رقم ۲ میلیون واحد قرار دارد، همچنان فاصله ای

سال/ماه	مجموع تعداد نفرات احراز هویت شده در سامانه سجام	مجموع تعداد نفرات ثبت نام شده در سامانه سجام
سال ۹۸	فروردین ۲۷,۶۳۱	۴۸,۹۸۶
	اردیبهشت ۵۷,۷۰۸	۸۴,۱۴۶
	خرداد ۵۵,۳۲۲	۱۲۲,۴۳۰
	تیر ۸۹,۷۳۹	۲۰۴,۴۹۷
	مرداد ۹۴,۶۰۲	۲۰۹,۲۰۱
	شهریور ۱۰۶,۳۷۱	۲۲۱,۶۵۵
	مهر ۱۸۲,۱۲۵	۳۱۰,۳۹۵
	آبان ۸۴,۲۸۶	۱۲۶,۱۱۲
	آذر ۲۰۶,۲۱۲	۳۲۵,۰۷۹
	دی ۴۹,۲۷۶	۲۶۱,۲۱۳
	بهمن ۸۴,۲۴۹	۵۶۷,۴۱۱
	اسفند ۲۳,۶۹۹	۴۸۹,۹۰۷
سال ۹۹	فروردین ۶۱۸,۳۸۴	۱,۲۰۲,۹۹۲
	اردیبهشت ۲,۵۵۲,۵۴۹	۴,۱۸۰,۹۶۷
	خرداد ۲,۸۷۸,۴۱۵	۴,۱۴۹,۵۶۹
	تیر ۳,۴۵۴,۹۰۴	۲,۰۸۴,۷۰۸
	مرداد ۲,۶۴۸,۹۳۴	۳,۹۸۵,۵۸۸
	شهریور ۱,۵۰۸,۷۱۳	۱,۴۷۸,۷۵۸
	مهر ۵۶۶,۷۴۶	۵۲۳,۱۱۸
	آبان ۲۵۵,۰۴۷	۲۱۷,۸۴۲
جمع	۱۵,۵۴۴,۹۱۲	۲۰,۷۹۴,۵۶۴

نام عرضه اولیه (نماد)	تاریخ عرضه	میزان مشارکت سرمایه گذاران (نفر)
صبا	۲۰ فروردین	۱۹۴۴۰۰۰
شستا	۲۷ فروردین	۲۲۰۰۰۰۰
غگیلا	۱۰ اردیبهشت	۲۳۵۷۰۰۰
پیزد	۳۱ اردیبهشت	۳۰۷۲۰۰۰
آریا	۴ خرداد	۳۳۵۰۰۰۰
ویپا	۷ خرداد	۲۷۵۹۰۰۰
سیتا	۱۱ تیر	۴۵۰۰۰۰۰
ولپارس	۱۸ تیر	۴۵۳۰۰۰۰۰
رافزا	۲۴ تیر	۴۴۷۳۰۰۰
آیادا	۱ مرداد	۴۴۸۰۰۰۰۰
غز	۸ مرداد	۵۲۰۰۰۰۰
پگیلان	۸ مرداد	۵۲۲۲۰۰۰
شاروم	۱۴ مرداد	۵۳۴۹۰۰۰
امین	۱۵ مرداد	۵۳۰۰۰۰۰
زملارد	۲۱ مرداد	۵۵۶۱۰۰۰
نبهساز	۲۲ مرداد	۵۱۰۰۰۰۰
گدنا	۲۸ مرداد	۵۳۴۹۰۰۰
بیبوند	۱۱ شهریور	۵۵۴۹۰۰۰
نایم	۱۹ شهریور	۵۱۸۰۰۰۰۰
چخز	۱۱ آذر	۴۴۴۵۰۰۰
وکیهم	۱۸ آذر	۴۶۹۱۰۰۰
ویوعلی	۱۹ آذر	۳۹۶۹۰۰۰